

محمد ریاض خان

اسلام آباد (پاکستان)

مختصری از

نهضت فتوت در ایران و جهان اسلامی*

فتوت لغتی عربی است که معنی جوانی و زمان شباب و حرکات مناسب دوران جوانی دارد و این لغت از «فتی» مشتق شده است که معنی آن جوانی و گاهی خدمتکار یا همراه می باشد. این کلمه واحد وثنیه و جمع هشت بار در قرآن مجید آمده و هر سه معنی مذکور بالا را رسانده است^۱ این لفظ قبل از نزول قرآن مجید هم در ادبیات عرب دیده می شود ولی کلمه «فتوت» همانا لغت بعدی است و در قرآن مجید یا ادب جاهلیت عرب دیده نمی شود^۲ در زبان فارسی معادل فتی و فتوت بالترتیب «جوانمرد» و «جوانمردی» است.

کلمه «فتی» بطور یک اصطلاح مخصوص در دوره قبل از اسلام هم در میان عربها بکار رفته است و شخصی را باین لقب خطاب می کردند که

* بنا به نظر هیأت تحریریه مجله، در شیوه نگارش این مقاله تغییری داده نشده است.

۱- قرآن مجید: سوره النساء آیه ۲۵ سوره یوسف آیات ۲۰، ۲۶، ۶۲ سوره کهف

آیات ۱۰، ۱۳، ۶۳ و سوره انبیاء آیه ۶۰.

۲- کتاب الفتوة ابن المعمار ص ۱۳۰-۱۳۸ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شماره ۲

سال چهارم ص ۷۶.

بعقیده ایشان بکمال اخلاق و انسانیت و فضیلت اوصاف می‌رسید یا لااقل حامل این دو صفات سخاوت و شجاعت بود. فتی داد سخاوت می‌داد تا آنکه خود زیر بار قرض و فقر و تنگدستی می‌رفت و همین‌طور در جنگ و حرب و ضرب تا حد امکان داد شجاعت نشان می‌داد و برای دیگران فدای جان عزیز می‌کرد^۳ در میان «فتیان شجاع» که در دوره جاهلی بسیار معروف بودند عنتر بن شداد و عمرو بن عبدود می‌باشد که هر دو در عهد اولیه اسلام بدست شاه مردان حضرت علی علیه‌السلام کشته شدند نمونه دیگر نوع «فتی» را در عهد جاهلی در شخصیت حاتم طائی^۴ می‌توان مشاهده کرد زیرا سخی بود و جنگجو و هم مخلص بدیگران و داستانهای شیوای او و خانواده او در ادبیات فارسی نیز منعکس گردیده است.^۵

موضوع فتوت اسلامی :

فتوت یا جوانمردی بطوریک اصطلاح دینی و صوفیانه متضمن معنی مسلکی است که مانند تصوف در کشورهای اسلامی رواج داشته است این مسلک جنبه اخلاق دین مبین اسلام را نمایان تر کرد و تصوف اسلامی را فعال و غنی تر ساخت و جنبه اجتماعی این مسلک ممد و معاون بیچارگان و

۳- کتاب الفتوة ابن المعمار ص ۵ لغت نامه دهخدا شماره ۷۹ ص ۵۹.

۴- حاتم بن عبدالله بن سعد الطائی که در کرم و فروسیت (= جوانمردی) و شعر معروف است در حدود سال ۵۷۵ م فوت کرده است (از سعدی تا جامی : حاشیه استاد حکمت ص ۵۳۵).

۵- مثلا چند واقعه جوانمردی حاتم را شیخ اجل سعدی در باب دوم «بوستان» به رشته نظم درکشیده است و جويا تبریزی کشمیری (۱۱۱۸ هـ) در این مورد مثنوی سروده است (رک دیوان جويا).

۶- سرچشمه تصوف در ایران ص ۱۳۴

موجب استیصال جابران و ستمگران گشته است .
 در قرون اولیه «فتوت» به تصوف خیلی شبیه و نزدیک بود و بجز چند آداب و رسوم مخصوص فرق ظاهری زیاد در میان آنها نبود و بهمین علت خواهیم دید که صوفیه و عرفاء به این مسلك گرائیده‌اند و همینطور دلسوزان و خدمتگاران اجتماع هم تاحدی بدین شیوه شریف کشانده شدند . مقصود فتوت اسلامی را در اقتباسات زیر می‌توان حدس زد :
 «موضوع علم فتوت نفس انسان باشد از آن جهت که مباشر و مرتکب افعال جمیله و صفات حمیده گردد و تارك و رادع اعمال قبیحه و اخلاق رذیله شود به اراده . . . فتوت را سه مرتبه است اول سخا که هر چه دارد از هیچکس و ندارد دوم صفا که سینه را از کبر و کینه پاك و پاکیزه سازد و مرتبه آخر وفاست که هم باخلق نگهدارد و هم باخدا . . . علم فتوت علمی شریف است و شعبه‌ایست از علم تصوف و توحید»^۷ .

«فتوت خصلتی از خصال دین»^۸ «فتوت مقامی است از مقامات سالکان و جزوی است از فقر و قسمتی است از ولایت»^۹ .

تاریخچه فتوت :

آغاز فتوت توأم با آغاز انسانیت بلکه از آن هم فراتر است . خدای متعال پیش از خلق آدم (ع) و حوا فردوس اعلی و نعمتهای گوناگون برای اولاد آنان آفریده و این نمونه نور و کرم فتوت خداوندی است که بدون هیچ پرسش و استحقاق سائلان آن کریم جواد اینگونه وسائل آسایش و

۷- فتوت‌نامه سلطانی که اینک بامقدمه دکتر محمدجعفر محجوب چاپ گردیده است.

۸- کتاب الفتوة ابن‌المعمار : ترجمه ص ۱۳۹

۹- رساله فتوتیه سیدعلی همدانی (شاه همدان)

عیش را مهیا ساخته است . کرم آن مایل است که مستحقان نیکوکار و باغبان بدرفتار هردو از خوان نعمت‌های او مستفید گردند و خدای تعالی از کرم‌گستری خود برای انسانها نمونه‌های جوانمردی را نشان می‌دهد تا ما هم ، طبق تخلقوا باخلاق الله ، از آن نمونه پیروی کرده باشیم^{۱۰} .

همه انبیای کرام از آدم تا محمد ، فتی و جوانمرد بودند ولی بفحوای آیه مبارکه «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض»^{۱۱} بعضی از انبیاء درفتی بودن هم از دیگران فاضل‌ترند مثلاً حضرت ابراهیم خلیل الله ابوالفتیان است و حضرت محمد (ص) سیدالفتیان . این فتوت و ایثار فوق‌العاده حضرت ابراهیم بود که در قربانی پسر عزیز خود سعی بخرج داد . در ضمن مقاومت با جباران و کسر اصنام آنان ، در آتش سوزان انداخته شد و در آن حال از حضرت جبریل هم کمک نخواست . مهمان‌نوازی ابراهیم هم شهرت جهانی دازد و داستانی که درباره بی‌حرمتی مهمان کافر به او نسبت داده‌اند حتماً جنبه افسانه‌ای دارد .

خلاصه ، ابراهیم حنیف‌دین و ایثار و ثبات بر بلاها ممتاز بود و «ابوالفتیان» است^{۱۲} . حضرت یوسف صلیق در بلای معصیت شدید که زن عزیز مصر و زنان دیگر بر سرش آورده بودند ثبات قدم نشان داد و زندانخانه را بر عصیان و گناه ترجیح داد . برادران او در هلاک و نابودی و بدنامی او کوشیدند ولی آن صدیق بر همه گونه جفاکاری‌های آنان اعلام عفو و «لا تریب علیکم الیوم»^{۱۳} فرمود . او هم جوانمرد است . بر عایت

۱۰- استفاد از مجموعه رسائل حکمت و تصوف و فتوت عکسی بشماره ۱۱۷۱/۶ و

فیلم ۷۰۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

۱۱- سورة البقره ، آیه ۲۵۵ .

۱۲- رساله الفتوة از شیخ مقداد بن عبدالله السیوری ، خطی کتابخانه مجلس ، تهران ،

شماره ۴۹۷۶ . ۱۳- سورة یوسف ، آیه ۹۲

اختصار کیفیت جوانمردی انبیای معروف دیگر اینطور می باشد . توبه و انابت حضرت آدم ، صبر و استقامت نهایی حضرت نوح در مقابل معاندان و مخالفان ، با وجود مقام نبوت و پادشاهی ، کسب وزره بافی حضرت داود و زنبیل بافی حضرت سلیمان ، کمک و همکاری با حضرت موسی و حضرت هارون و دلیری و جوانمردی حضرت یوشع بن نون ، ایفای عهد که حضرت موسی بحضرت شعیب پیغمبر بعمل آورده و غیره .

حیات سیدالفتیان حضرت محمد (ص) از وقایع فتوت و جوانمردی مملو و مشحون است زیرا تکمیل همه نوع مکارم اخلاق بوسیله او صورت پذیرفته است در قرآن مجید آمده است که: «انک لعلی خلق عظیم»^{۱۴} این پیغمبر اجل و اکرم قبل از بعثت خود هم در گروه فتیان مکه شامل بوده و واقعه حلف الفضولی شهرت زیاد دارد . این عهد و پیمان جوانمردان مکه برای دادرسی مظلومان و بی نوایان و مقاومت با ستمگران بوده و حضرت محمد قبل از بعثت خود در این گروه شرکت داشته است ، زمانی این گروه دختر مردی بی نوا را از دست بازرگان ستمگری نجات داده است^{۱۵} .

اهالی مکه هرگونه ایذاء رسانی را برای آن حضرت روا داشته اند تا آنکه نوبت هجرت به یثرب (مدینه) دور رسید ولی در موقع فتح مکه این پیغمبر عظیم (ص) آن آیات قرآن مجید را تلاوت می فرمود که درباره حضرت یوسف صدیق آمده است و اعلام فرمود که: وانی اقول کما قال یوسف اخی - لا تشریب علیکم الیوم ...^{۱۶} .

۱۴- سوره القلم آیه ۴

۱۵- محمد ، پیغمبری که از نو باید شناخت تألیف ک - و گیورگیو ترجمه ذبیح الله

منصوری ، تهران ص ۳۵-۳۶

۱۶- سوره یوسف آیه ۱۲

در میان صاحب‌های فتوت بعد از انبیاء که ذکر آنان در قرآن مجید^{۱۷} هم آمده است اصحاب کهف می‌باشد این گروه مؤمنان مسیحی که برای حفظ ایمان خود در غار و گردن تاریک کوه پناه برده بودند دوباره زنده گردیده از نظر مسالك فتوت و ایثار موجب عبرت و بصیرت دیگران می‌باشند.

حضرت علی شاعر فتیان :

بهترین مثال يك فتی حقیقی و مطلق بعد از انبیاء و به پیروی فتوت حضرت رسول ، ذات‌امیر المؤمنین حضرت علی است و تمام سلسله فتوت اسلامی باو می‌پیوندد . و شخص آن را دمرد «منبع عین فتوت و معدن جود و مروت»^{۱۸} و «قطب مدار فتوت»^{۱۹} بود .

شجاعت عالی مشهور عموم است و القاب او مثل اسد الله الغالب و حیدر کرار و غیره بسیار معروف . عالی در ایثار و جود و سخا و پرهیزگاری هم شهرت جهانی دارد و درین ضمن واقعات زیاد باو منسوب است که محققاً بپایه ثبوت می‌رسند . چون آن بزرگ سرسلسله فتوت است ما چند واقعه مربوط به جوانمردی او را ، برعایت اجمال در ذیل نقل می‌کنیم :

الف - حضرت علی چندین بار جان خود را برای حفظ و صیانت شخص پاك رسول بخطر انداخت و شب هجرت رسول از مکه به مدینه در عین خطر تهاجم کفار بر بستر رسول خوابیده تا ایشان وقوع هجرت حضرت رسول را نفهمند .

ب - وقتی در ماه رمضان سائلی در خدمت حضرت رسول بعنوان

۱۷ - سوره کهف آیات ۹ تا ۲۲

۱۸ - رساله فتوتیه علی همدانی

۱۹ - نفائس الفنون فی عرائس العیون ج ۲ ص ۱۱۲

مهمانی آمد و پیغمبر برای پذیرائی این سائل و کمک به او چیزی در دست نداشت پیغمبر فرمود: هر که این شخص را مهمان کند خداوند او را جنت عطا می کند. حضرت علی این شخص را مهمان کرد در آن حال که حضرت و بتول فاطمه برای افطار روزه، در منزل بجز دو قرص نان چیزی نداشتند و آن مقدار نان بمشکل برای آن مهمان کافی بود. پس وقت افطار بنا بر مصاحبت چراغ را خاموش کردند و در تاریکی حضرت علی (ع) دستهای مبارک خود را این طور سوی طعام می کشیدند که گویا بامهمان خود می خورد ولی اصلاً چیزی نمی خوردند. ایشان طبق ایشار و فتوت خود مهمان را خوراندند و خود در شب بحالت صوم باقی ماندند و باین ایشار فوق العاده علی و فاطمه در قرآن مجید هم اشارتی آمده است. در این مورد مفسرین و صوفیه اختلاف دارند که در کدام يك از سه آیه زیر بان واقعه اشارت گردیده است:

- ۱- ومن الناس من يشري نفسه بتفاء مرضات الله ... ۲۰ .
 - ۲- ويؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة ... ۲۱ .
 - ۳- ويطعمون الطعام على حبه مسكينا ويتيما واسيراً ، انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منك جزاء ولا شكوراً ۲۲ .
- ج- احمد افلاکی (م ۷۶۰ هـ) در مناقب العارفين ، درباره حسن اخلاق و فتوت حضرت علی از زبان مولوی بلخی نقل کرده است . مولوی وقتی که جوان نامؤدبی را در جائی بلندتر از پیران نشسته دید ، این واقعه حضرت

۲۰- البقره ، آیه ۲۰۷ . رک احیاء علوم الدین ج ۳ و کشف المحجوب ص ۲۴۰

۲۱- الحشر آیه ۹ امام محمد غزالی در کیمیای سعادت ص ۵۴۹ از لحاظ سیاق این آیه می فرماید که درباره ایشار انصار مدینه می باشد و آیه ۲۰۷ از سوره البقره که در فوق ذکر شد در باره ایشار حضرت علی است

۲۲- الدهر آیه ۸ و ۹ ابن المعمار مؤلف کتاب الفتوة و دیگران این آیه را مربوط به

ایشار حضرت علی دانسته اند

علی را بیان فرموده است: «روزی اسدالله الغالب علی بن ابیطالب کرم الله وجهه به نماز صبح به مسجد رسول می رفت. در میانه راه دید که پیرمردی یهودی پیش می رود. امیر المؤمنین از آنجا که فتوت و مروت و حسن اخلاق او بود، محافظت ادب پیر کرده، پیش نگذاشت و آهسته آهسته در پی او می رفت. چون به مسجد رسول رسید حضرت مصطفی علیه السلام به رکوع رکعت اول خمیده بود. در حال به امر جلیل، جبریل در رسیده دست بر پشت مبارک رسول نهاد تا ساعتی توقف کند که علی مرتضی از ثواب رکعت اول نماز صبح محروم نشود^{۲۳} مولانامی فرماید که علی بایهود پیر اینقدر احترام گذاشته ولی مسلمانان این دور به پیران مسلمان هم ادب و احترامی نمی گذارند.

د- حضرت علی در موقع جنگ جمل به عفو کردن دشمنان خود مانند عمرو بن العاص و مروان بن الحکم و غیره و حتی با خوش رفتاری و حسن سلوک که نسبت به قاتل خودش عبدالرحمن بن ملجم نشان داده عالیتر نمونه های جوانمردی را عملاً باقی گذاشته است و از این روست که نویسندگان درباره این صفات او بی کم و کاست صحبت کرده اند مثلاً «قلب حتی در «تاریخ عرب» خود می نویسد: «علی در مشورت صائب الرای، فصیح و بلیغ، بدوستان و فایضه، بدشمنان عفو شعار و نمونه بی نظیر شرافت و جوانمردی بود. پرفسور نکاسون هم در تاریخ ادبیات عرب همین طور اظهار عقیده کرده است. می گویند در جنگ احد زمانی که حضرت علی شجاعت و جهاد فی سبیل الله می داد، هاتف غیبی آواز داد که «لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار» و حضرت رسول چندین بار این مطالب را برای حضرت علی بیان فرمود و سپس این قول شعار فتیان گردیده است و هنوز هم زبان زد عموم است.



بی مورد نیست اگر بعضی از اشعار شیوای فارسی را که درباره فتوت حضرت علی است در ذیل نقل کرده باشیم:

- دیناچه مروت و سلطان معرفت لشکرکش فتوت و سردار اتقیا^{۲۴}
- مردی چون نبی نداند کس راه مردی علی شناسد و بس
- مظهر این فتوت مشهور راستی باید از کژیها دور^{۲۵}
- چون که فرمود آن نبی و هم ولی در فتوت لافتی الاعلی
- پس مسلم بر علی باشد سخنا دانکه جنت هست دارالاسخیا^{۲۶}
- مهر او از آسمان لافتی الا علی تیغ او از گوهر لاسیف الا ذوالفقار^{۲۷}
- لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار این نفس را از سر صدق و صفا باید زد^{۲۸}
- هر که را نام جوانمردی سزا است پیشوای او علی مرتضی است^{۲۹}
- آنکه چو گان مروت در کف احسان اوست لاجرم کوی فتوت در خم چو گان اوست
- برزبان روح گفتا با محمد آشکار لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار
- آفتاب کبریا دریای در لافتی فخر آل مصطفی مخصوص نص هل اتی^{۳۰}
- شاه جوانمردان علی هم در خفی هم در جلی
- آن کز جمال منجلی خورشید تابان پرورد^{۳۱}

۲۴- شیخ سعدی کلیات

۲۵- اوحدی مراغه‌ای ص ۵۶۲ دیوان

۲۶- ناصری سیواسی، نقل از سرچشمه تصوف در ایران ص ۲۱۸

۲۷- خلاصة المناقب (خطی) برگ ۷ منسوب به خواجوی کرمانی

۲۸- شاه نعمت‌الله ولی کرمانی: دیوان ص ۲۷

۲۹- واعظ کاشفی: فتوت نامه سلطانی

۳۰- اشاره به آیات منقوله سورة الدهر

۳۱- فروغی بسطامی: دیوان ص ۹۳

تاریخ اسلام از واقعات و امثله فتوت پر است در این مورد علویان در صف اول قرار دارند: حضرت امام حسین بن علی^{۳۲} و رفقای بزرگ او در خلاف استبداد یزید بن معاویه جان بجان آفرین سپردند و تاریخ فتوت و ایشار نفس را بخون خود رنگین و محتشم ساختند و همین طور سایر ائمه کرام و بزرگان دین و مجاهدین فی سبیل الله روش «فتوت» را دنبال کردند و بعضی از علمای دین که خلاف «فتوت» چیزی نوشته اند^{۳۳}، تشکیلات ظاهر فتوت را بدعت می دانسته و آنها را نکوهیده اند نه اصل این مسلک را.

فتوت و تصوف:

بعضی از صوفیه مسلک فتوت را آب و تاب تازه ای داده و آداب و رسوم این روش را اختیار نموده اند و همین طور بعضی از فقیهان بمسلك عرفان گرائیدند و این عمل باعث نزدیکی و ارتباط بیشتری در میان فتوت و تصوف شد. روش تربیتی و اخلاقی تصوف را، فتوت رونق بسیار بخشیده است و این مطلب را در کتب متعدد عربی و فارسی می توان دید:

قوت القلوب شیخ ابوطالب مکی (م ۳۸۶ یا ۳۹۰ هـ) و کتاب الفتوة

۲۲- اوحدی مراغه ای در منقبت امام حسین می فرماید: کار فتوت از دل و دست تو راست شد اندر جهان بگو که این منزلت کراست! (دیوان ص ۵)

۲۳- مهمترین مخالفین تشکیلات فتوت عبارتند از علامه ابن جوزی صاحب تلبیس ابلیس یا نقد العلم والعلماء و امام ابن تیمیه حنبلی (م ۷۲۸ هـ). ایشان فتوت را بدعت و رخنه ای در عمارت دین و چیز تظاهر آمیزی تلقی کرده اند ابن تیمیه می گوید که انتساب این اعمال خرافاتی، که به پیغمبر اکرم و حضرت علی کرده اند دروغ محض است و آنچه که خلیفه بدعتی عباسی الناصر لدین الله عمل می کرده است برای امت اسلامی نمونه ای قابل تقلید نمی باشد. رک کتاب الفتوة ابن المعمار ص ۱۰۶-۱۰۷ و مجله شرق مذکور ص ۳۴۶ برای نظر ابن جوزی اول.

ابوعبدالرحمن السلمی (م ۴۱۲ هـ که قدیم‌ترین نویسنده خاص است درباره فتوت) و «الرسالة» تألیف القشیری م ۴۶۵ هـ و تذکرة الاولیاء شیخ عطار و کتاب الفتوة شهاب‌الدین سهروردی و الفتوحات المکیه از محی‌الدین ابن عربی و جوامع الحکایات و لوامع الروایات از محمد عوفی (م . ۶۳۵ هـ) ^{۳۴} و کتاب الفتوة ابن‌المعمار الحنبلی و فتوت‌نامه منظوم ناصری و رساله فتوتیه علی‌همدانی و فتوت‌نامه ساططانی و کتاب جدیدی «العلة بین التشیع والتصوف» (المجلد الثانی) تألیف دکتر کامل مصطفی شیبی و کتب دیگری حاکی این مطلب می‌باشند .

۳۴- سدیدالدین یا نورالدین محمد بن محمد عوفی بخاری (از اولاد صحابی رسول عبدالرحمن بن عوف) . این کتاب در صدباب و چهار قسمت است و هر قسمت دارای ۲۵ باب است . قسمتی از این کتاب را مرحوم ملك الشعراء بهار و دکتر محمد معین فقیه و آقای محمد رضانی جداگانه بچاپ رسانده‌اند . شادروان دکتر نظام‌الدین احمد استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عثمانیه حیدرآباد دکن قسمتی از این کتاب را به زبان انگلیسی و مرحوم اختر شیرانی به زبان اردو ترجمه کرده‌اند . نسخه خطی بسیار نفیس این کتاب مورخ ۱۱۲۹ هـ (که دو باب آن بشماره ۲۴ و ۲۵ مفقود است) در کتابخانه ملی ملك بشماره ۴۱۴۶ مضبوط است و در باب نهم و یازدهم آن حکایات جالب در ضمن مسلك جوانمردی و رابطه فتوت با تصوف موجود است از آن جمله است ۱: وقتی پادشاهی از وزیر خود پرسید که علامت جوانمردی چیست ؟ - گفت جوانمردی را سه نشان باشد : وفای بی‌خلاف و ستایش بی‌خوف و عطای بی‌سؤال کننده . گفت آنکس که مال بخشد کسی او را نشناسد زیرا که اگر مال کسی را بدهد که بشناسد از دو علت خالی نباشد یا از راه شفقت باشد یا از راه ریا ، و کمال جوانمردی آنست که خود را از این علت‌ها مصون دارد» در باب یازدهم قسمت دوم می‌فرماید که وقتی تا هفت روز به منزل حضرت علی مهمانی نیامد و حضرت از این امر ناراحت شده و گریه میکرد زیرا : «این از غایت همت و نهایت مروت و فتوت اوست علیه‌السلام» (این واقعه نظیر واقعه ایست که در بوستان سعدی به حضرت خلیل‌الله منسوب گردیده و بان اشارتی رفته است) هم درین باب حکایت هیزم‌کش جوانمرد را که بمیهمانی حاتم نمی‌رفت ذکر گردیده که شیخ سعدی آنرا در باب سوم گلستان آورده است .

بزرگان صوفیه و عرفای اسلامی بعزت شباهت زیادی بین اصول اساسی فتوت و طرز فکر خودشان، این مسلک را به تصوف و عرفان ارتباط خاصی داده و عده زیاد آنها عملاً باین روش گرائیدند و این مسلک را پذیرفته‌اند. مثلاً سه تن از بزرگان مشایخ ایران ابوحامد احمد بن خضرویه باخی در گذشته در ۲۴ هـ و ابوحفص - عمر بن سلمه حداد نیشابوری در گذشته در ۲۶۴ یا ۲۶۵ یا ۲۶۷ هـ و ابوالحسن علی بن احمد بن سهل صوفی پوشنگی در گذشته در ۳۸۴ هـ نخست از سران جوانمردان و فقیهان بوده‌اند^{۳۵} درین گروه، ابوحامد احمد بظاهر قدیمترین شخصیت غیر ملامتی است که در خراسان بمسلك فتوت گرائیده است. در دوره‌های بعدی چندین بزرگان باین مسلک علاقه داشته و وارد گروه فقیهان شده‌اند مثلاً شیخ نجم الدین کبری و شیخ نجم الدین زرکوب و شیخ علاءالدوله سمنانی و امیر سیدعلی همدانی و غیره.

اهل ملامت و فتوت:

شیخ محی الدین ابن عربی معتقد است که صوفیه ملامتیه اولین بار به مسلک فتوت گرویده‌اند: «ان الفقیان تلامذة الملامتیه»^{۳۶} بعضی از نویسندگان در حمایت یا خلاف این امر صحبتی کرده‌اند. صوفیه ملامتیه که در نیشابور ظهور کردند طبق «لایخافون لومة لائم»^{۳۷} در ایثار و ملامت و بذل و مخالفت نفس از دیگران جلوتر و بالاتر می‌باشند. سلمی می‌فرماید: یکی از این طایفه را پرسیدند: شایسته نام جوانمرد کیست؟ گفت: کسی است که اعتذار آدم، صلاح نوح، وفای ابراهیم، صدق اسماعیل، اخلاص موسی، صبر ایوب، گریه داود علیهم السلام، سخای محمد صلی الله علیه وسلم را فت ابوبکر، حمیت

۳۵- سرچشمه تصوف در ایران ص ۱۲۲

۳۶- الصلة بين التصوف والتشيع ص ۲۱۸ . ۳۷- سوره مائده آیه ۵۴

عمر، حیای عثمان، و علم علی رضی الله عنهم همه را یکجا دارد و با چنین مقامی نفس خویش را نکوهش کند و آنچه را دارد چیزی نشمارد و گاهی در دلش خظور نکند که او هم چیزی هست و نپندارد که حال پسندیده‌ای دارد. در جمیع احوال عیبهای نفس و نقصان کردارهای خویش و فضل برادران را بر خویش روشن بنگرد... و یکی از ملامتیان به نام علی بن ابی بکر اهوازی گفت: اصل جو انمردی آنست که بر خود يك فضیلت هم نه بینی^{۳۸}.

در مورد رابطه اهل ملامت و اهل فتوت حکایت حمدون قصار نیشابوری (م ۲۷۱ هـ) و نوح عیار بسیار جالب است. حمدون قصار می فرماید: روزی اندر جو بیار حیره نیشابور می رفتم نوح نام عیاری بود بفتوت معروف و جمله عیاران نیشابور در فرمان وی بودند و مرا اندر راه دیدم. گفتم یا نوح جو انمردی چه چیز است؟ گفت: جو انمردی من خواهی یا از آن تو؟ گفتم هر دو بگویی. گفت: جو انمردی من آنست که این قبا بیرون کنم و مرقعه بپوشم و معاملات را برزم تا صوفی شوم و از شرم خلق اندران جامه از معصیت بپرهیزم و جو انمردی تو آنک مرقعه بیرون کنی تا تو بخلق و خلق بتو فتنه بگردند. پس جو انمردی من حفظ شریعت بود بر اظهار و از آن تو حفظ حقیقت بر اسرار و این اصلی قوی است^{۳۹}.

ملامتیه البته صورت زهد مفرط و عملی را نشان می دادند و بقول پرفسور هارتن فتیان اینقدر حد افراطی را نپیموده اند. «اصحاب فتوت تقوی و شرف را با هم جمع کردند در حالی که اهل ملامت دنیا را آشکار تحقیر می نمایند و سرزنش نفس را برای رسیدن خویشان بکمال روحی و اخلاقی و بسيله ضروری

۳۸- ملامتیان و صوفیان و جو انمردان ص ۶۲، ۶۴، ۷۲

۳۹- کشف المحجوب ص ۲۲۸

شناسند»^{۴۰} اعمال و افعال و فعالیت‌های گوناگون فقیان چیزی سری نبوده بلکه اینگونه افعال را برای تشویق و ترغیب دیگران علناً انجام می‌دادند. السلمی ۴۵ اصل و آداب ملامتیه را در رساله خود بیان کرده که قسمت مهم آنها خلاف روش جوانمردان می‌باشد البته بعضی امور در آن میان مشترک است چون ادای حقوق دیگران بدون چشمداشت پاداش، حلم در حالت دفاع دیگران، عیب پوشاندن دیگران و دشمنی با هوای نفس و غیره - اما صوفیه اتهام نفوس خود و ذکر چهارگانه (لسانی و قلبی و سری و روحی) تعلیم سری و حرکات ملامت آمیز مانند کلبیون‌های یونانی غفلت‌نمایی برای ملامت دیگران و نگرانی از قبول شدن دعاها و این نوع اعمال دیگر را اساس و لازم قرار نداده‌اند.^{۴۱} در موجودگی اینگونه شواهد آنچه که آقای دکتر ابو العلاء عقیلی مصری نوشته، یعنی «آثار باطنی و ظاهری فتوت درین طائفه بیش از هر فرقه دیگر صوفیه تجلی کرده است» نمی‌توان صرفاً قبول داشت بلکه قول پرفسور هارتن که نقل گردید درین ضمن اقرب الصواب است و صاحب نفایس الفنون فی عرائس العیون هم همین مطلب را تایید کرده است.^{۴۲}

رابطه فتوت، تصوف و ملامت:

درباره رابطه تصوف و فتوت اشاراتی رفته است و بیشتر نویسندگان در ضمن این رابطه صحبت کرده‌اند علامه محمد آملی، از علمای قرن هشتم می‌فرماید: «تا فتوت به نهایت نرسد بدایت ولایت حاصل نشود... فتوت جزوی

۴۰- ملامتیان و صوفیان و جوانمردان . . . ص ۲۳

۴۱- درباره‌ی ملامتیه مطالب زیاد در روضات الجنات و جنات الجنان ج ۱ مؤلف ابن

الکربلائی و مؤلف در احوال ملامتیه حکایت‌های جالب را نقل کرده است . . . ص ۸۷

۴۲- جلد دوم ص ۱۱۲، ۱۱۴ .

است از تصوف ... جوانمرد پیوسته شادمان و خوشدل باشد و مشفق و ناصح خلق خدا - در مصالح دین و دنیا و بهمهات دینی و دنیوی ایشان بی تکلف قیام نماید . و چنانکه خود بکسب کمالات مشغول باشد ، تمامت رفقا و اصحاب را بر آن دارد و ایشان را در آن ممدومعاون باشد»^{۴۳} و این رابطه نوعی عمومیت داشته است زیرا بقول استاد سعید نفیسی فقید «بزرگان متصوفه ایران همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عوام می دانسته اند و هر دو را با هم ترویج می کرده اند»^{۴۴}.

نکته ای دیگر اینست که صوفیه و ملامتیهای بزرگ و قتی که از «جوانمردان» ذکر می کنند، مراد ایشان بیشتر از ملامتی های جوانمرد می باشد: یعنی ملامتی ها که جوانمرد هستند یا جوانمردان ملامتی بطور صفت و موصوف نه صرفاً جوانمرد و این مطلب از آثار ملامتی ها پیدا است . بنابراین ذکر فتوت و جوانمردی که در احوال و آثار ملامتی ها مذکور افتاد ، صرفاً مربوط به مسلك و تشکیلات جوانمردی نمی باشد . باین همه ملامت و فتوت و تصوف ارتباط زیاد داشته است و بسیاری از اصطلاحاتشان مشترك بوده است.

سخنان بزرگان درباره حقیقت فتوت :

بادیدن این سخنان این طور بچشم می خورد که فتوت اسلامی در صورت اول با عقائد و اصول دین اسلام و تصوف خیالی نزدیک بود . سپس بمرور ایام شاخ و برگ پیدا کرده و در میدانهای سیاست و اجتماع وارد شد و بصورت های گوناگون درآمده است . اصول این مسلك را که از زبان فحول فتوت نویسان سرچشمه گرفته ، گوش بدهید :

۱- بقول شیخ حسن بصری ، خدای تعالی درین آیه کریمه همه اوصاف

۴۳- نفائس الفنون ۲ ج ۰۰۰ ص ۱۱۲ ، ۱۱۴

۴۴- سرچشمه تصوف در ایران ص ۱۳۲

- فتیان را جمع کرده است که: «ان الله^{۴۵} یأمر بالعدل والإحسان وایتاء ذی القربى
 وینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذكرون ...»^{۴۶}.
- ۲- این حدیث رسول را به روایت امام جعفر صادق بیان کرده اند که:
 «لفتیان امتی عشر علامات - صدق الحدیث والوفاء بالعهد واداء الامانة وترك
 الکذب والرخصة للیتیم واعطاء السائل وبذل النائل واکثار الصنائع وقری الضیف
 ورأسهن الحیا»^{۴۷}.
- ۳- «فتی آنست که او را در دنیا و آخرت هیچکس خصم نباشد»^{۴۸}
 (قول حضرت علی).
- ۴- «اصل فتوت وفا وصدق وامن وسخا وتواضع ونصیحت وهدایت
 وتوبه است»^{۴۹}.
- ۵- «فتوت آنست که تو در پنهانی کاری نکنی که اگر آشکار گردد منفعل
 گردی»^{۴۹}.
- ۶- «بزرگترین خصال فتوت آنست که خود را بر دیگران هیچ امتیاز و
 فضیلت ندهی»^{۵۰}.
- ۷- فتوت آنست که اگر عطا یابیم ایثار کنیم و اگر نیابیم شکر کنیم^{۵۰}
- ۸- «لیس الفتوة بالفسق والفجور ولكنها طعام مصنوع ونائل مبدول
-
- ۴۵- قرآن مجید التمل آیه ۹۰
- ۴۶- کتاب الفتوة ابن المعمار ص ۱۱۱ ۱۳۳
- ۴۷- طبقات الصوفیه السلمی ص ۷۹
- ۴۸- منقول در فتوت نامه سلطانی . در رساله القشیری ص ۱۰۲ - این قول به شیخ
 ابوبکر وراق منسوب است .
- ۴۹- فتوت نامه سلطانی هردو قول منسوب به امام جعفر صادق
- ۵۰- اقوال امام جعفر صادق کتاب الفتوة ابن المعمار ص ۱۱۱ و نیز در کتاب الفتوة
 سهروردی خطی شماره ۲۱ کتابخانه ادبیات

و بشر مقبول و عفاف معروف و اذی مکفوف»^{۵۰}.

۹- فتوت و فاست بی خلاف و مدح بی جود و بخشایش بی سؤال «قول معروف کرخی»^{۵۱}.

۱۰- فتوت آنست که از خود بینی بر حذر باشی و آنچه کرده باشی آن را با خود نسبت ندهی که من کرده‌ام (قول جنید بغدادی بروایت ابو حفص حداد رحمهم الله)^{۵۲}.

۱۱- فتوت، حقیر داشتن نفس است و بزرگ داشتن حرمت مسلمانان^{۵۳}.

۱۲- جو انمردی آنست که بار خود بر خلق نهی و آنچه داری بدل کنی (قول جنید بغدادی)^{۵۴}.

۱۳- لیست الفتوة باكل الحرام و ارتكاب الاثام بل الفتوة عبادة الرحمن و مخالفة الشيطان والعمل بالقرآن (قول فضیل بن عیاض)^{۵۵}.

۱۴- جو انمردی دریایی است بسه چشمه: یکی سخاوت دوم شفقت

سوم بی نیازی از خلق و نیاز مندی بحق (قول حضرت شیخ ابو الحسن خرقانی)^{۵۶}.

۱۵- الفتوة على ثلاثة اقسام: اولها محافظة امر الله والثانی مراقبة سنة رسول الله، والثالث صحبة اهل الله، وحقيقة الفتوة ترك ما سوى الله (قول شیخ نجم الدین زرکوب)^{۵۷}.

۵۱ و ۵۲- ایضاً ابن المعمار ص ۱۰، تذکرة الاولیاء ص ۲۷۹

۵۳- قول شیخ جعفر خلدی: تذکرة الاولیاء ج ۲ ص ۲۲۸

۵۴- تذکرة الاولیاء ج ۲ ص ۲۷

۵۵- نفائس الفنون و ۰۰۰۰ ج ۲ ص ۱۱۱

۵۶- تذکرة الاولیاء ج ۲ ص ۲۰۵

۵۷- (فتوت نامه) روضات الجنان و ۰۰۰۰ ج ۱ ص ۴۱۹

- ۱۶- الفتوة اسقاط الرؤية وترك النسبة (قول جنید بغدادی) ^{۵۸} .
 ۱۷- الفتوة حسن الخلق وبذل المعروف (قول ابوبکر محمد بن احمد
 شبهی متوفی در حدود ۳۶۰ هـ) ^{۵۹} .

مختصری در شرائط و آداب و رسوم «فتوت» :

برای ارادت بآئین فتوت پنج شرط ذیل بود: توبه بصدق و ترك علائق
 و اشغال دنیوی ، و دل بازبان راست داشتن و اقتدای درست بزرگان فتوت
 و در همه مرادات را بر خود بستن ^{۶۰} . کسی که برین شرائط عمل می کرد، او را
 داوطلب می نامیدند مشروط باین که هفت شرط ذیل را نیز داشته باشد :
 مردانگی و بلاغت و عقل و دین اسلام و استقامت احوال و مروت و حیا ^{۶۱} .
 در دوران بعدی ، شرائط مشروح فتوت را تا هفتاد و دو رسانده اند و
 شیخ عطار هم (محملاً آن عطار که در قرن هشتم و نهم می زیسته است نه
 فریدالدین عطار) در «فتوت نامه منظوم» خود می فرماید :

که هفتاد و دو شد شرط فتوت یکی زان شرطها باشد مروت ^{۶۲}
 این صفات فتیان که در اغلب کتب الفتوة آمده است ، بقرار ذیل میباشد:
 راستی ، ترس از بدی ، کمک بدیگران ، آزادی از هوای نفس ، پاکی دامن
 و چشم ، و فاشعاری ، بخشودن به دوست و دشمن ، برای دیگران آن چیز پسندیدن
 که برای خود ، در محبت مقصود جان و دل رابسته داشتن ، احترام از دشنام
 و یاوه گویی ، خود را مانند مورچه ضعیف فکر کردن ، مرادات نامردان و بی
 نوایان را بسعی خود بیرون آوردن ، پرهیز از خودستائی و اظهار اعمال خوب

۵۸- طبقات الصوفیه السلی ص ۱۱۸ .

۵۹- طبقات الصوفیه السلی صفحه ۵۰۶ و نیز طبقات الصوفیه خواجه هروی انصاری

۶۰- فتوت نامه سلطانی

ص ۱۹۱

۶۱- کتاب الفتوة ابن المعمار ص ۱۶۳-۱۷۰ نفایس الفنون . ج ۲ ص ۱۱۶-۱۱۷

۶۲- رك مقاله نگارنده در معارف اسلامی تهران شماره ۸

خود (برای تشویق دیگران البته رواست) ، در نیکی سوی ترقی تمایل داشتن ، رضا در خشم ، پرهیز از دلازاری دیگران ، احترام از خود بینی و تکبر ، حلم و بردباری و وزیدن ، خوراندن دیگران ، اعمال ظاهر و باطن خود را یکسان نگه داشتن ، دوری از کارهای نابایست ، عدم شکایت از دیگران ، پارسامشربی حذر از تزویر ، دل را از کینه پاک داشتن ، برای کمک دیگران جان خود را بخوشی در خطر انداختن ، دل و دماغ را از هر گونه کبر و نخوت پاک داشتن ، تواضع و فروتنی را برگزیدن ، پرهیز از بزرگداشت خود ، درس سخن ملایم و خایق بودن را زدن و در محضر هر که و مه افشاء نکردن ، دوری از حسادت ، عدم طمع برای فرزند ، بفرائض خود اعتنای کافی داشتن و آنها را انجام دادن ، مروت بد دیگران ، ریاضت کشی و وزیدن ، ناخوانده بجای نرفتن ، دوست را بچشم شهوت ندیدن حذر از کج بینی که موجب سوی تفاهمی گردد ، پرهیز از سودجوئی ، برای تکمیل آرزوها و تمایلات خود گامی برنداشتن ، شفقت باهل روزگار ، دوست داشتن اسخیا ، مدارا با پیران و بخشایش با جوانان ، بدوست و دشمن لاف نزدن ، داد خلق دادن و دستگیری آنان کردن ، بخود و اعمال خود از راه شکسته نفسی نگاه کردن ، بدوستان و دلسوزان در تنهایی نصیحت کردن ، نگاهداری ادب ، به خدمت خود را حاضر داشتن ، با عزت و وقار بودن ، پوشاندن عیوب دیگران و لوسیلاب خون باشد ، دیگران را بجز نکویی یاد نکردن ، گرد معاصی نگشتن ، هوا و هوس نفسانی را شکست دادن ، تربیت کردن دیگران (چه پیر و چه جوان) آنطور که خجالت نکشند ، لباس خود را بهر ناسزا ندادن ، تربیت کردن دیگران بآن دلسوزی که مخصوص فرزند خود است ، قناعت و رزی ، اطاعت و دین داری را مراعات نمودن ، عبادت و نیایش خداوندی را بر همه چیز مقدم داشتن ، همواره در راه شکسته نفسی خود کوشیدن ، در انتظار صابر بودن ، بر انعام خدای متعال شاکر بودن ، محنتها را با شکیبائی بانجام

رساندن، بامهمان خود شیرین سخن بودن و تکلف و تعارف را از میان برداشتن و ماحضرا پیش وی آوردن، دل مردم را با احسان و مروت بچنگ آوردن، در راه احسان چالاک بودن، در میان جمع شمع مانند دلسوزی نشان دادن، گفتار را با کردار هم آهنگ کردن و در عاشقی (عشق حقیقی) صبر و تحمل را اختیار نمودن^{۶۳}.

شرایط نفی فتوت:

بعقیده فتیان اولیه که علیه کاسب‌ها صحبت می‌کردند، دوازده فرد زیر شایسته و لائق فتوت نبوده‌اند: کافر، منافق، کاهن، شرابخوار، خوگر، دلاک، دلال، جولاه، قصاب، جراح، صیاد، کارگزار دیوان دولتی و محتکر (و بهمین سختی فتیان دوره اول بود که همه نوع پیشه‌وران بویژه از اواخر قرن هشتم هجری در همه جا وارد فتوت اصنافی شدند و هر یک از پیشه‌وران سعی کرد تا پیشه صنعت خودش را از دیگری بهتر و برتر نشان بدهد).

بیست کار زشت زیر را فتیان موجب ابطال فتوت می‌دانستند و بایستی که از آن مجتنب و بر حذر باشند چون میخواری، زنا، لواط، غمازی و نمایی نفاق، تکبر، ترس (جز از خدا)، حسد، کینه، دروغ، مخالفت و عدم تعاون بر کار خوب، خیانت، نگاه شهوت‌آمیز بر نامحرم، عیب‌جوئی، بخل، غیبت‌گویی، بهتان، دزدی، حرام‌خوری، و عدم توجه به تربیت و نصیحت دیگران. چنانکه خواهیم دید فتیان دوره انحطاط بر بعضی از این امور عمل می‌کرده‌اند صاحب کتاب الفتوة می‌نویسد که چهل نفر از فتوت محرومند و در

۶۳- این صفات باختلاف تقدم و تاخر در بسیاری از کتب آمده است مثلا در فتوت‌نامه سلطانی و کتاب الفتوة ابن‌المعمار ص ۲۵۶-۲۶۱، و منتخب من‌الکتاب الفتوة (سلمی) خطی بشماره ۹۰ در کتابخانه ادبیات و رساله فتوت در مجموعه ۱۱۷۱ بعنوان فتوت (عکسی کتابخانه مرکزی) و رساله الفتوت شیخ مقداد بشماره ۴۹۷۶ کتابخانه مجلس، تهران.

آن گروه زن و مخنث و پسر نابالغ شامل می‌باشند. نه فقط این بلکه صاحب کتاب الفتوة می‌فرماید که هر چیز که باطل کننده اسلام است، فتوت راهم باطل می‌کند. در کتاب مذکور ۲۰۰ گناه صغیره و کبیره را جمع کرد و می‌فرماید که فتی حقیقی آنست که از همه اینها بر حذر باشد تا مؤمن گردد. هر که از این کبائر و صفائر عمداً ارتکاب می‌کند، فتوت او از بین می‌رود یا لا اقل بهمان اندازه ضعف و نقصان می‌پذیرد^{۶۴}.

شرائط اثبات فتوت :

کارهایی که موجب تقویت و استواری اصل فتوت می‌گردد بسیار است و فقیهان را برای گزاردن آنها تشویق می‌کرده‌اند مانند صحبت نیکان، عطای خود از دیگران پس نگرفتن، سعی در سازش با مردمان همه گروه و عادات، شرکت در اجتماعات بزرگان و فقیهان، رعایت آداب سفره و نشست و برخاست در محافل بزرگان و زعماء و غیره^{۶۵}.

پیران فتوت بیست و هشت لوازم انجام می‌دادند و بعد از آن مریدان تازه را به مسلك فتوت می‌پذیرفتند: ازین ۲۸ لوازم چهار فرائض، چهار سنن، چهار آداب، چهار ارکان، چهار شرائط و هشت مستحب تلقی می‌گردید. مثلاً چهار فرض این بود که پیر، مرید را با تشریفات غسل فتوت بدهد، تحقیق کند که این داوطلب قبل از این دست ارادت بدیگری نداده است در موقع دست گرفتن مرید درود بر رسول را ورد کنند و در مجالس آب و نمک را برای رسوم بعدی حاضر کند و غیره^{۶۶}.

۶۴- کتاب الفتوة ابن المعمر ص ۲۵۶-۲۶۱

۶۵- سرچشمه تصوف در ایران ص ۱۴۰

۶۶- مجله شرق شماره ۶ سال ۱۳۱۰ شمسی ص ۳۴۳ بنقل از فتوت نامه سلطانی

کیفیت ورود بگروه فتیان :

داو طالب مسالك فتوت (که اصطلاحاً او را طالب یا صغیر می گفتند) تقاضا نامه ای باین مناسبت که اجازه ورود به گروه فتیان را متمنی است، پیش اعضای سابقه دار فتوت می آورد. (این عضو سابقه دار و مجرب را استاد یا مطلوب می نامیدند). «مطلوب» تقاضای «طالب» را مورد مطالعه قرار می داد و «طالب» تا چهل روز در خدمت وی مورد امتحان و آزمایش قرار می گرفت و در آن مدت او بایستی که علاوه بر مطلوب سه نفر دیگر یعنی پیر فتوت یا نقیب (یعنی بازرس «طالبان») و «پدر عهد» (یعنی عهد نامه خوان) و «استاد شد» را (یعنی آن کس که برای ورود به گروه جوانمردان میان طالبان رابا تشریفات خاصی می بست) نیز خدمت کند و با آنان تماس داشته باشد. بعد از اینکه خدمت چهل روزه (که آنرا باید «چاله جوانمردان» بنامیم) اگر مطلوب برای این «طالب» رای موافق اظهار می کرد آن موقع او را بجای طالب «فرزند» یا «ابن» می گفتند و سپس در روزی که می خواستند با آداب و مراسم ذیل او را در گروه جوانمردان شامل و شریک می نمودند. در آن روز «استاد شد» جوانمردان شهر را دعوت می کرد و مجلسی آراسته می گردید در آن مجلس استاد شد را مطلوب (مراد روی دوسجاده های جداگانه قبله رو می نشستند و «طالب» ساکت و صامت در نزدیکی «پدر عهد» می نشست. آن موقع طبق دستور «مطلوب»، ابن یا فرزند آب و نمک را در مجلس حاضر می کرد. چراغ پیه سوز پنج فتیله را روشن می کرد و برای حضار محفل حلوی شیرین تقدیم می کرد. در آن موقع «پدر عهد» (که کار او تلاوت آیات قرآن مجید درباره استواری و استحکام عهد و پیمان بود) آیه «او فوبالعقود»^{۶۷} یا آیات دیگر را می خواند و استاد شد، پیش بندی

رابه کمر طالب (فرزند) می بست (این «پیش بند» را شد و فحطه و محزم و حزام و بند و غیره نوشته اند). در موقع بستن شد، سه گره (عقد) می زد و این عمل را سه بند زدن می گفتند .

در توجیه این سه بند ، ناصری سیواسی در فتوت نامه منظوم می فرماید:

اولش بند «میان» تربیه تا که حاصل گردد او را تصفیه
هم دوم بستن برای خدمت است همچنین از بهر جاه و حشمت است
لیک این را آخرش صحبت بود از وجودش خلق را راحت بود

شاعر می فرماید که جبریل امین به امر خداوندی، در وقت تعمیر کعبه معظمه حضرت ابراهیم را سه بند بسته بود و این رسم فتوت در برپاداشتن یا تجدید آن می باشد^{۶۸}.

باعتماد جوانمردان مهمترین رسم آنان شلوار پوشی است که جزوی از لباس الفتوة است . در لباس الفتوة کلاه یا عمامه برای احترام و بزرگداشت مقام فتیان و سراویل علامت عفاف و پاکدامنی و تقوی است ، فتیان عقیده داشتند که حضرت رسول حضرت علی را سراویلی پوشانده و سند سراویل خود را مانند خرقة صوفیان به حضرت علی می پیوندند . باعتماد جوانمردان، شلوار برای سرما و گرمانیست بلکه علامت مردی و نامردی است و این مانند خرقة محترم بود و می گفتند که «سربده سروال مده» . در تبرک این شلوار ناصری حکایتی برشته نظم در کشیده است . حاصل آن حکایت این است که نمرود لعین آن موقع که حضرت ابراهیم را در آتش شعله زان می افکند ، می خواست که نسبت به آن حضرت بی احترامی کند ولی حضرت جبریل شلواری از بهشت برین آورده و حضرت ابراهیم را پوشانده بود :

تا نبینند هیچکس اندام او تا که نشیند بدی در نام او پس اساس و رسم شلواری رفیق ماند از ابراهیم در باب طریق ناصری مدعی است که جبریل امین آن شلوار متبرک را به حضرت رسول رسانده و آن حضرت به حضرت علی پوشانده است .

در موقع پوشیدن لباس الفتوة مرید را کاسه آب نمکین می نوشاندند (که آن را «کاس الفتوة» می گفتند و این عمل را نیز به حضرت رسول و حضرت علی منسوب می دانستند) . در حکمت کاس الفتوة صحبت ها کرده اند از آن جمله اینکه این عمل برای این است که جوانمردان حق نمک یکدیگر را بشناسند و آن طور که نمک در اغذیه موجب مزید لذت و ذوق است ، کارفتوت ایشان هم لذت داشته باشد و اینکه دل فتی مانند آب نمک بی غش و صاف باشد .

مصطلحات مخصوص جوانمردان :

لازم است که اصطلاحات مخصوص فتیان را آنطور که در فتوت نامه ها آمده مختصراً ذکر کرده باشیم :

- ۱- بیت = گروه ممتاز فتوت را گویند (نوعی سلسله ایست در مسلك فتوت) .
- ۲- حزب = گروه فتوت که به يك شخص فتی یا جوانمرد منسوب باشند (قسمتی از بیت) .
- ۳- نسبت = انتهای جوانمردی مثل اجداد و اسلاف نشان دادن است .
- ۴- کبیر (اب یا مقدم یا پدر) = پیشقدم است که به آداب فتوت سازش کرده باشد .
- ۵- زعیم = ناصح فتیان ، کسی که فتیان را پند و اندرز می دهد .
- ۶- جُدد = فتیان و بزرگ جوانمردان که بمنزله مرشد است .

۷- رفیق = دمساز و دوست فتوت هر جوانمرد دیگری را رفیق خطاب

می کرد.

۸- مسابله = «طالبان» متعدد که تحت رهبری مطلوب و אחד باشند.

۹- دکش = تارك فتوت (نوعی کلمه نفرین است) برای آنان که مسلك فتوت

را تارك کنند.

۱۰- بکر = کسی که تازه عازم ورود گروه جوانمردان و فتیان می باشد.

۱۱- ثقیل = کسی را گویند که از «کبیر» یا «حزب فتوت» جدا شود.

۱۲- وکیل = شخصی که قائم مقام و کفیل فرائض کبیر باشد.

۱۳- نقیب = ترجمان و ناصح و واسطه مصالح فتیان است.

۱۴- شدد = میان بستن (بآن آداب و رسوم که ذکر آن رفته).

۱۵- تکمیل = قبل یا بعد از شدد بستن، شرایط دیگر فتوت را تمام کردن

مثلاً لباس الفتوة را پوشیدن.

۱۶- شرب = نوشیدن از کاس الفتوة.

۱۷- محاضره = اجتماع فتیان در مجلس یا اجتماع «شرب».

۱۸- نقله = انتقال است از یک کبیر یا بایت به کبیر یا بایت دیگر (با اجازه)

۱۹- تعبیر = عبور کردن و پیشرفت از «کبیر» به «جدد» (نوعی ترقی

درجه است).

۲۰- اخذ = بازستاندن لباس الفتوة که به داد و طلب داده اند. این عمل را

«کبیر» یا «مقدم» بعات خاصی (بعنوان پادا فراره) انجام می داد و برای این کار

مجاز بود.

۲۱- رمی = نوعی محاکمه است که بدان وسیله برای «طالب» یا طالبان

ممکن بوده که فتوت «کبیر» را با علل معلوم فسخ کنند.

۲۲- عیب = ارتکاب منهیات و کبائری که مبطل فتوت است «عیوب»

قبل از این ذکر گردیده است .

۲۳- محاکمه = تداعی پیش‌زعیب یا داور دیگری که مورد قبول فریقین باشد . بدین وسیله «فتیان» می‌توانستند که خلاف یکی از بزرگان خود به دلائل و شواهد موجود شکایت کنند و داد خود بگیرند .

۲۴- وقف = منع کرده‌شدن متهم است برای «محاضره» خواه برای مدت معینه باشد یا ثابت برائت . برای این کار ارکان جوانمردی با هم مشورت می‌کردند .

۲۵- هبه = بخشیدن «کبیر» است «رفیق» رابه «کبیر» دیگر و برای دستور دادن این کار ، به این شرط که کبیر دیگر هم قبول کند ، او مجاز بوده است . بعضی این عمل تحویل رفیق رابه گروه دیگر البته مخالف آزادی و حریت می‌دانسته و درناروا بودن آن صحبت کرده‌اند^{۶۹} .

این است بعضی از اصطلاحات که «فتیان» آن را در معنی مذکور بکار می‌برده‌اند برای مطالعه کتب عربی و فارسی که در ضمن مسلك فتوت نگارش یافته آگاهی برین مضطلحات ضروری است .

ادامه دارد

۶۹- کتاب الفتوة ابن‌المعمار ص ۱۹۰-۲۳۰ درین کتاب ۲۴ اصطلاح بتفصیل مذکور است و شماره ۲۴ یعنی وقف را ندارد . نفائس‌الغنون . ج ۲ ص ۱۲۰-۱۲۲